

سال شمار زندگی ساموئل بکت. ناهید طباطبایی

۷ ۱۹۰۶: ۱۳ آوریل، «ساموئل بارکلی بکت»^۱ در کولدتریناگ^۲ واقع در فاکس راک^۳ دوبلین متولد می شود. دومین پسر خانواده^۴ مرفه طبقه متوسط پروتستان است. برادر چهار ساله اش فرانک نام دارد.

۱۹۱۶: ۲۴ آوریل، شورش عید پاک در دوبلین.

۱۹۱۵-۱۹۲۸: سال های تحصیل، سَم جوان پیانو مشق می کند، به تمرین کریکت و راگبی می پردازد و به شطرنج عشق می ورزد. تفکیک ایرلند (۱۹۲۲). ورود به ترینیتی کالج (۱۹۲۳): یک استاد ادبیات فرانسه ترینیتی کالج به استعداد او پی می برد و بکت ارزش های خود را بروز می دهد. اخذ مدرک در رشته زبان و ادبیات فرانسه و ایتالیایی از ترینیتی کالج (۱۹۲۷).

۱۹۲۸-۱۹۳۰: سال های اقامت در پاریس. تدریس انگلیسی در اکول نرمال سوپریور^۴. آشنایی با ژان بوفره^۵، متخصص آینده آثار هایدگر، و آلفرد پرون^۶. ملاقات با جیمز جویس^۷ در اواخر سال ۱۹۲۸ که به دوستی صمیمانه ای می انجامد. دستیاری جویس در



بکت در چهار سالگی. مقابل وی، برادرش فرانک و سمت چپ تصویر، مادرش.

اثر در دست نگارش^۸ (بعدها با نام شب زنده داری **فینگان** ها^۹ منتشر می شود) و انتشار مقاله «دانته... برونو. ویکو... جويس»^{۱۰}. چاپ شعر **هوروسکوپ**^{۱۱}، و جستاری دربارهٔ **پیوست**^{۱۲}: «مشکل آدم بداند دربارهٔ او چگونه فکر کند، او مطلقاً مالک شکل و قالب خاص خود است، که در واقع اسیر آن است، حتی آن وقت که ظاهراً اختیار را در دست دارد.» S.B. بنا بر پیشنهاد فیلیپ سوپالت^{۱۳} به همراهی آلفرد پرون به ترجمهٔ یک سوم از آنالیویا پلورابل^{۱۴}، بخشی از «شب زنده داری **فینگان** ها»ی جويس، می پردازد.

۱۹۳۶-۱۹۳۱: تدریس در تربیتی کالج، سفر و دلدادگی. استعفای زودهنگام و نگارش اولین رمان خود به نام **روایای زنان میانه حال**^{۱۵}، رمانی پیکارسک، با سبک هذیان آمیزی بدیع، این رمان پس از مرگ بکت و در سال ۱۹۹۲ چاپ می شود.

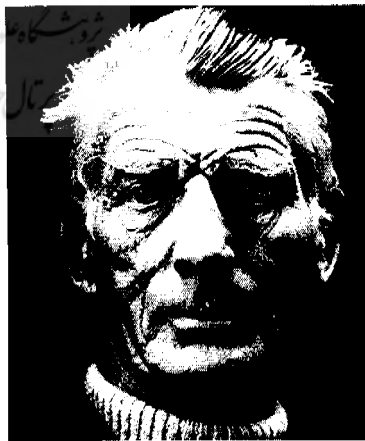
مرگ پدر در سال ۱۹۳۳. آخرین کلمات او به پسرش چنین است: «مبارزه کن! مبارزه کن! مبارزه کن!» و «چه صبحی!»، بکت، افسرده، به لندن می رود تا زیر نظر دکتر ویلفرد بیون^{۱۶} یک دوره روان درمانی راسپری کند.

انتشار مجموعه ده داستان کوتاه به نام **های بیش از هوی**^{۱۷} در سال ۱۹۳۴ و سپس گزیده ای از اشعارش تحت عنوان **استخوان های اکو و دیگر رسوبات**^{۱۸} در سال ۱۹۳۵: «اثر یک مرد بسیار جوان که دلش برای نوشتن لک زده.» S.B.

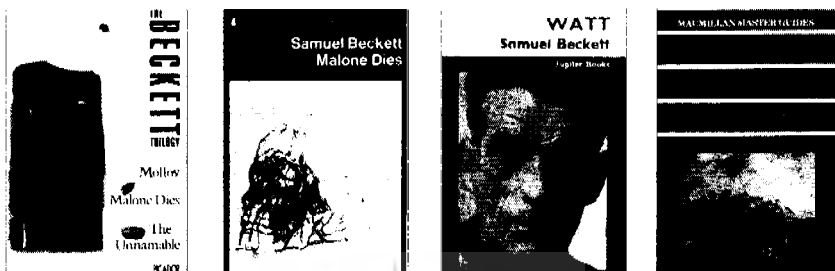
۱۹۳۶-۱۹۳۹: سفر به آلمان (۳۷-۱۹۳۶)، دیدار از موزه‌ها و گالری‌های نقاشی، آموختن زبان آلمانی: «تلاش برای آموختن ساکت ماندن به یک زبان دیگر، چه نامعقول.» S.B.
 چاقو خوردن در پاریس در خیابان اورلئان، توسط یک پاندا، در شبی از ماه دسامبر ۱۹۳۷ در راه خانه. مخارج بیمارستان را جویس به عهده می‌گیرد. انتشار رمان **مرفی** ۱۹ در سال ۱۹۳۸. تصمیم به استقرار در پاریس. پیوند هر چه صمیمانه‌تر زندگیش با زندگی یک بیانگست فرانسوی به نام سوزان دِشو و دومنیل ۲۰. از ۱۹۳۸ تا ۱۹۵۳ او دیگر ناشر انگلیسی ندارد. آغاز نوشتن شعر به فرانسه.

۱۹۴۴-۱۹۳۹: مهاجرت. از لاربو^{۲۱} دوست جویس پول قرض می‌گیرد. دیدار مجدد با مارسل دوشان^{۲۲} در ارکشون^{۲۳}. بازگشت به پاریس در سپتامبر ۱۹۴۱، ورود به نهضت مقاومت فرانسه علیه نازی‌ها. با لورفتن شبکه، پیش از سررسیدن گشتاپو، همراه با سوزان به روسیون^{۲۴} در جنوب فرانسه پناهنده می‌شود. در آن جا به ازای جا و خوراک در مزرعه‌ای کار می‌کند. در سال ۱۹۴۴ دوباره به نهضت مقاومت می‌پیوندد.

۱۹۵۳-۱۹۴۵: پس از شکست آلمان، بکت برای دیدن مادرش به ایرلند سفر می‌کند و برای رفع مشکل بازگشت به پاریس، داوطلب خدمت در صلیب سرخ سن لو^{۲۵} می‌شود. سپس در پاریس وقت خود را صرف نوشتن چند شاهکار ناب می‌کند: رمانی به نام **وات**^{۲۶} را به پایان سامونل بکت (۱۹۰۶-۱۹۸۹)، نویسنده ایرلندی.



می‌رساند، اولین نمایش نامه‌اش **التوتریا**^{۳۷} را به فرانسه می‌نویسد (این اثر پس از مرگ بکت و در سال ۱۹۹۵ منتشر می‌شود) و بعد اولین رمانش به زبان فرانسه یعنی **مرسیه و کامیه**^{۳۸} را به نگارش درمی‌آورد. با نقاشانی چون وان‌ولد^{۳۹} و جیاکومتی^{۴۰} معاشرت می‌کند و تریلوژی ارزشمند خود را به زبان فرانسه می‌نویسد: **مولوی**^{۴۱}، **مالون می‌میرد**^{۴۲} و **نام‌ناپذیر**^{۴۳}، و نیز شاهکار نمایشی‌اش را: **در انتظار گودو**^{۴۴} (اواخر ۴۸- اوایل ۴۹).

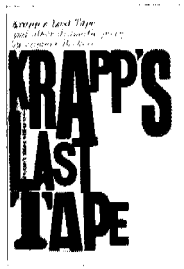
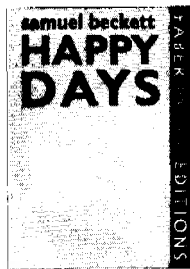
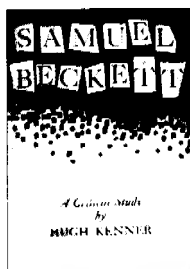


مرگ مادر در سال ۱۹۵۰، بکت با درآمد سالیانه مختصری که میراث پدرش است و چند کار سفارشی زندگی خود را می‌گذراند. او با سوزان در یک آپارتمان بسیار محقر در منطقه پانزدهم پاریس زندگی می‌کند. او این خانه را تا سال‌هایی بسیار دورتر، برای رفتن به منزلی که کمی بزرگتر است ترک نمی‌کند. این منزل در بلوار سن - ژاک، و روبروی یک بیمارستان قرار دارد. در سال ۱۹۵۰ ژروم لیندون^{۴۵} تصمیم به انتشار کارهای او می‌گیرد. در سال ۱۹۵۱، **مولوی و مالون می‌میرد** توسط انتشارات مینونی^{۴۶} به چاپ می‌رسد.

سال ۱۹۵۲ **در انتظار گودو** منتشر می‌شود. سوم ژانویه ۱۹۵۳، اولین اجرای **گودو**، در تئاتر بابلون^{۳۷}، با مدیریت ژان ماری سیرنو^{۳۸} و کارگردانی روزه بلن^{۳۹} روی صحنه می‌رود. رمان **نام‌ناپذیر** در سال ۱۹۵۳ توسط انتشارات مینونی به چاپ می‌رسد. وات، آخرین رمان او به زبان انگلیسی، در سال ۱۹۵۳ در پاریس از سوی انتشارات المپیا پرس^{۴۰} به چاپ می‌رسد.

۱۹۵۴-۱۹۵۸: برادر او می‌میرد. **گودو** رفته رفته جایگاهی بین‌المللی به دست می‌آورد. اولین نمایش نامه رادیویی خود به نام **همه افتادگان**^{۴۱} را می‌نویسد. نمایش نامه **آخر بازی**^{۴۲} (آن را **دست آخر** نیز ترجمه کرده‌اند)، که به زبان فرانسه نوشته شده، نخستین بار در ۳ آوریل ۱۹۵۷ در لندن و به کارگردانی روزه بلن روی صحنه می‌رود. بکت اجرای نمایش نامه‌هایش را در

ایرلند - که سانسور شدیدی در آن حاکم است - ممنوع می‌کند. بکت آثار خود را خود از فرانسه به انگلیسی یا برعکس از انگلیسی به فرانسه ترجمه می‌کند. از این پس انتشارات مینوئی ناشر فرانسوی او است. در ۱۹۵۸، پرسش^{۲۳}، اثر هنری آگ^{۲۴}، توسط انتشارات مینوئی به چاپ می‌رسد. این اثر ممنوع می‌شود. بکت در پنهان کردن نسخه‌های آن کمک می‌کند. آخرین نوار کراپ^{۲۵} بعد از درگیری‌هایی با سانسور در تئاتر رویال کورت^{۲۶} لندن روی صحنه می‌رود.



۱۹۶۳-۱۹۶۰: این طور است^{۲۷} متنی است منثور که در پی نام‌ناپذیر نوشته می‌شود. آخرین نوار کراپ همراه موسیقی مارسل میالوویسی^{۲۸} به صورت اپرادر می‌آید. کارگاه تئاتر زندان سن-کوئنتن^{۲۹}، در انتظار گودو را با بازی زندانیان به اجرا درمی‌آورد. یکی از زندانیان بعداً بازیگر، کارگردان و یکی از دوستان بکت خواهد شد. بکت در ۲۵ مارس ۱۹۶۱ با سوزان ازدواج می‌کند.

به مناسبت «مانیفست ۱۲۱»، بکت داوطلب کمک به بعضی از امضاکنندگان می‌شود که به علت موضع‌گیری سیاسی‌شان از دریافت حقوق کاری محروم شده‌اند. چند نمایش نامه رادیویی می‌نویسد. پس از خلواره^{۵۰} در سال ۱۹۵۹، نمایش نامه کلمات و موسیقی^{۵۱} را برای BBC و کاسکاندو^{۵۲} را برای ORTF می‌نویسد. روزهای خوش^{۵۳} در سال ۱۹۶۳ در تئاتر آدنون فرانسه^{۵۴}، با کارگردانی روزه بلن روی صحنه می‌رود. بازی مادلن رنو^{۵۵} در نقش وینی^{۵۶} مورد تحسین قرار می‌گیرد.

۱۹۶۹-۱۹۶۴: سفر به آمریکا در سال ۱۹۶۴ برای ساخت فیلم نامه‌اش به نام فیلم^{۵۷} با شرکت باستر کیتون^{۵۸} و کارگردانی آلن اشنایدر^{۵۹}. تخیل مرده خیال^{۶۰}، یک متن کوتاه منثور «هزار کلمه، شش ماه قلم زدن». S.B.

14. 1. 78

SAMUEL BECKETT.

over a man
"No gardener has died within
my accursed memory." The conceit
is in Fontenelle, Entretien
sur la Pluralité des amours.

"de manière de voir on ne
peut que le même jardinier."
F. Joubert on p. 100 (1659-1759).
how to you see
man



A silent sinner, nights and days,
No human heart to his distress,
Alone he wand'ring his wanted ways,
Alone and little loved did die,
And autumn death for him did choose
A season dank with mist and rain
And took him at the evening dew,
Here settling o'er the fields again.

?

بکت برندهٔ جایزه نوبل ادبیات سال ۱۹۶۹ می‌شود ولی از پذیرفتن آن و حضور در استکهلم امتناع می‌ورزد. ناشرش، ژروم لیندون، در مراسم حاضر می‌شود.

۱۹۷۹-۱۹۷۰: آسیب‌های جسمی رفته رفته بیشتر نمایان می‌شوند. به خاطر آب مروارید دو چشم تن به عمل جراحی می‌دهد. **گم شدگان**^{۶۱}، پنج سال برای یک متن کوتاه مثنوی که بعد برای صحنه هماهنگ و توسط دیوید واریلو^{۶۲} بازی می‌شود.

۱۳

بکت اجرای تمام آثار خود را در آفریقای جنوبی ممنوع می‌کند، از انجمن تعاون کارگران لهستانی حمایت می‌کند، **گودو** را در برلین (۱۹۷۵)، **صدای پا**^{۶۳} را در لندن (۱۹۷۶) و همراه دلفین سیریگ^{۶۴} در پاریس (۱۹۷۸) کارگردانی می‌کند و نیز **نه من**^{۶۵} را با بازی مادلن رنودر تئاتر آرسی^{۶۶} در سال ۱۹۷۸ و **بازی (یا نمایش)**^{۶۷} را در همان سال در برلین و **روزهای خوش** را در ۱۹۷۹ در لندن اجرا می‌کند. نگارش داستان نسبتاً بلند **همراهی**^{۶۸}، مجموعهٔ مثنوی **فس فس ها**^{۶۹} و نمایش نامهٔ کوتاه **آن زمان**^{۷۰}.

۱۹۸۹-۱۹۸۰: بیماری پشت بیماری، نزدیکان می‌میرند. نمایش نامه‌های کوتاه نوشته می‌شوند: **صندلی گهواره‌ای**^{۷۱}، **فی البداهه او هیو**^{۷۲} و یک داستان مثنوی به نام **بد دیده و بد گفته**^{۷۳} و «یک نوآوری جنون آمیز برای تلویزیون»: **چهار گوش او** ||^{۷۴}.
تصویر در آثار او اهمیت بیشتر و بیشتری می‌یابد. نمایش نامهٔ **فاجعه**^{۷۵} به واتسلاف هاول^{۷۶}، که زندانی است، تقدیم می‌شود. به نظر می‌آید که بیش از پیش از مشکلات نوشتن مضطرب می‌شود. داستان **به سوی بدترین**^{۷۷} نوشته می‌شود: «این اثر با نثری ثقیل مرا آزار می‌دهد، انگلیسی، با تنفر».

آخرین اثر مثنوی خود، **جنپ و جوش های ایستا**^{۷۸}، را در سال ۱۹۸۶ می‌نویسد و در حالی که بستری است، آخرین اثر بدیع خود را، **شعر چی است آن کلمه**^{۷۹}.
بکت در روز جمعه، ۲۲ دسامبر ۱۹۸۹، تقریباً شش ماه پس از مرگ همسرش سوزان از دنیا می‌رود. هر دو در کنار هم در گورستان مونپارناس^{۸۰} پاریس آرمیده‌اند. ♦♦

* این متن با همکاری محمد رضا خانی ترجمه و تدوین شده است. با توجه به این که خود بکت آثارش را از انگلیسی به فرانسه یا برعکس ترجمه می‌کرد، در پانویس عنوان انگلیسی و فرانسه هر اثر هر دو آورده شده است.

1. Samuel Barclay Beckett
2. Cooldrinagh
3. Foxrock
4. École Normale Supérieure
5. Jean Beaufret
6. Alfred Péron
7. James Joyce
8. Work in Progress
9. Finnegans Wake
10. Dante... Bruno. Vico... Joyce
11. Whoroscope
12. Proust
13. Philippe Soupault
14. Anna Livia Plurabelle
15. Dream of Fair to Middling Women
16. Wilfred Bion
17. More Pricks than Kicks
18. Echo's Bones and Other Precipitates
19. Murphy
20. Suzanne Deschevaux-Dumesnil
21. Larbaud
22. Marcel Duchamp
23. Arcachon
24. Roussillon
25. Saint-Lô
26. Watt
27. Eleutheria
28. Mercier et Camier
29. Bram Van Velde
30. Alberto Giacometti
31. Molloy (Molloy)
32. Malcne Meurt (Malone Dies)
33. L'Innommable (The Unnamable)
34. En attendant Godot (Waiting for Godot)
35. Jérôme Lindon
36. Minuit
37. Théâtre de Babylone
38. Jean-Marie Serreau
39. Roger Blin
40. Olympia Press
41. All That Fall
42. Fin de Partie (Endgame)
43. La Question
44. Henri Alleg
45. Krapp's Last Tape (La Dernière bande)
46. Royal Court Theatre
47. Comment c'est (How It Is)
48. Marcel Mihalovici
49. Saint-Quentin
50. Embers (Cendres)
51. Words and Music (Paroles et Musique)
52. Cascando
53. Happy Days (Oh! les beaux jours)
54. Odéon-Théâtre de France
55. Madeleine Renaud
56. Winnie
57. Film
58. Buster Keaton
59. Alan Schneider
60. Imagination morte imaginez
(Imagination Dead Imagine)
61. Le Dépeupleur (The Lost Ones)
62. David Warrilow
63. Foolfalls (Pas)
64. Delphine Seyrig
65. Not I (Pas Moi)
66. Théâtre d'Orsay
67. Play (Comédie)
68. Company
69. Fizzles
70. That Time
71. Rockaby

72. Ohio Impromptu
73. Mal vu mal dit (Ill Seen Ill Said)
74. Quadrat I and II (Quad)
75. Catastrophe
76. Vaclav Havel
77. Worstward Ho! (Cap au pire)
78. Stirrings Still (Soubresauts)
79. What is the Word (Comment dire)
80. Montparnasse





شکاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی
سرمال جامع علوم انسانی